



## نشانه ها و جلوه های ادب از دیدگاه اسلام / ادب آموزی از سیره پیامبر (ص)

بنابراین کسی که پایبند تعالیم دین نباشد از حوزه ادب به وادی بی ادبی پای نهاده است.

تربیت اسلامی و اخلاق مکتبی همه دستورها و "باید" و "نباید"هایش "ادب آموزی" است، بنابراین کسی که پایبند تعالیم دین نباشد از حوزه ادب به وادی بی ادبی پای نهاده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از قیمتی ترین سرمایه ها و میراث های حیات آدمی "ادب" است، حتی بالاتر از ثروت و سرمایه است. وقتی سخن از ادب به میان می آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون "از کوچک و بزرگ و آشنا و بیگانه" در نظر می آید. این رفتار که از تربیت شایسته نشأت می گیرد، به نحو سخن گفتن، راه رفتن، معاشرت، نگاه، درخواست، سوال، جواب و... مربوط می شود.

امام صادق (ع) می فرماید: پدرم مرا به سه نکته ادب کرد؛ فرمود هر کس با رفیق بد همنشینی کند، سالم نمی ماند و هر کس که مراقب و مفید به گفتارش نباشد پشیمان می گردد و هر کس به جاهای بد، رفت و آمد کند متهم می شود.

ادب به خودی خود یک ارزش اخلاقی و اجتماعی است و ارزش آفرین هم برای فرزندان و هم برای اولیا که تربیت کننده آنانند. ادب خودش یک سرمایه است و هر سرمایه ای بدون آن بی بهاست. مدالی است بر سینه صاحبش که چشمها و دلها را خیره و فریفته می سازد.

حسب و نسب انسان هم با ادب ارج می یابد. شرافت نسب و اعتبار خانوادگی و آبرو و وجهه اجتماع، بدون داشتن ادب آرایشی سطحی بر چهره ای زشت است. حضرت امیر(ع) می فرماید: با بی ادبی، هیچ شرافتی نیست.

کسی که بی اصل و نسب و حسب باشد اگر ادب داشته باشد شرافت می یابد. ادب حتی نسب و تبار نامناسب را هم می پوشاند. کلام امیر(ع) چنین است: حَسُنُ الْاَدْبُ یَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

### نشانه ها و جلوه ها

هر یک از ادب و بی ادبی نشانه هایی دارد. شناخت ادب هم جز با توجه به نمودهای بی ادبی میسر نمی گردد. این نمودها و نشانه ها و علائم، هم در گفتار نمایان است، هم در رفتار و برخورد. کسی که در برخورد با افراد، حاضر نیست از آنان با عظمت و تکریم یاد کند و مدام به استهزا دیگران و غیبت آنان مشغول است، آنکه یاوه دیگران را با یاوه و دشنامشان را با دشنامی زشت تر پاسخ می دهد آنکه در مجالس و محافل و صفها، رعایت حق دیگران و نظم و مقررات و سکوت و نوبت را نمی کند، آنکه حاضر نیست به حرف دیگران گوش دهد که در گفتگو و بحث، داد می زند و گلو پاره می کند و جانب انصاف و حق را مراعات نمی کند اینها همه نشانه هایی از فقدان ادب است.

از آن سو، مراعات ادب در خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن یا لخت بودن، خلال کردن، دهن دره، سرفه، عطسه و... نشان ادب است. بی ادبی، بی اعتنائی به حقوق و شخصیت و حرمت انسانهاست. اگر کسی هنگام عطسه آب دهان به صورت و سفره بیفکند، یا به جای تقدیم دو دستی نامه و وسیله و ابزار آن را پرت کند یا حتی یک دستی بدهد، یا هنگام مطالعه و استراحت شما سرو صدا کند و یا هنگام خلوت سرزده وارد اتاقتان شود و اجازه ورود نگیرد، اینها نمونه ای از مراعات نکردن ادب اجتماعی است.

جالب این است که اسلام برای همه این موارد دستور العمل دارد. تربیت اسلامی و اخلاق مکتبی همه دستورها و "باید" و "نباید"هایش "ادب آموزی" است. کسی که پای بند تعالیم دین نباشد از حوزه ادب به وادی بی ادبی پای نهاده است.

رفتار نیک دیگران بر انسان تاثیر مثبت می گذارد. این امری روشن و طبیعی است. ناپسندیهای اخلاقی مردم نیز تاثیر سو می گذارد. این هم عادی است. هنر انسانهای فرزانه و هوشمند آن است که از رفتارهای ناپسند دیگران هم عبرت و درس می آموزند.

هم نیکان الگویی نیکی اند، هم بدان سرمشق بدی برای غافلان، اما عاقلتر کسی است که از بدیها راه خوبیها را می آموزد. این همان لقمانی است که از فرزاندگی او سرچشمه می گیرد و به قول سعدی شیرین سخن؛ لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی ادبان، که هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن پرهیز کردم. نشست و برخاست و انس و معاشرت با افراد مودب، خلق و خوی و رفتارمان را به زینت "ادب" می آراید.

از ادب پیامبر(ص)

رسول اکرم(ص) که اسوه ایمان و الگویی اخلاق و ادب و رفتار نیکو است خود را ادب کرده پروردگار دانسته و می فرماید: پروردگار مرا ادب کرد و نیکو ادب کرد. سیره پیامبر یک کتاب آموزی است. رفتار پیامبر، نمونه عالی اخلاقی و معاشرت والاست. به چند نمونه از ادب پیامبر با دیگران اشاره می کنیم.

رسول خدا(ص) با هرکس که روبه رو می شد هم به کوچک و هم به بزرگ سلام و مصافحه می کرد، هیچ گاه دست خود را عقب نمی کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد.

از روز بعثت تا دم مرگ هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد، زانوهایش را پیش اشخاص باز نمی کرد و بیرون نمی آورد، هیچ کس را ملامت و سرزنش نمی کرد و در پی کشف اسرار دیگران نبود. هنگام نگاه به صورت کسی خیره نمی شد با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی کرد، بسیار شرمگین و با حیا بود.

در نتیجه می توان گفت ادب در معاشرت میزان رشد و شعور انسان است و هر کس به اندازه ای می ارزد که ادب دارد. عیار سنجش قیمت انسانی افراد، "ادب" آنان است.

ادب داشتن نشانه ایمان و وسیله تقرب به خدا و محبوبیت نزد خالق و خلق است، چرا از سنت رسول خدا (ص) و سیره اولیا ادب نیاموزیم. ادب در گفتار و کردار در خانه و جامعه، با کوچک و بزرگ، با خودی و غریبه در همه جا... و با همگان.

-----  
منابع

بحار الانوار، ج 75

غرر الحکم، ج 7

میزان الحکمه، ج 1، ص 70، حدیث 374

سنن النبی، علامه طباطبایی، ص 43، 41، 75/43

بحار الانوار، ج 16

میزان الحکمه، ج 1

مکارم الاخلاق، ص 13، 15، 17